

1- " اسکناس قلبی "

غریق نجات داد زد احمق بیا بیرون - سرکاری!!

« رژ لب »

6 - مجرد

مجرد بود اما چراغ خواب اتاقش، خاطرات وحشتناکی داشت ؟ *** برگزیده ***

« رجیلی محبی »

24- بعد از سالها گفت دوستت دارم اما من خوابم می آمد . *** شایسته تقدیر ***

« ثریا »

26- لبش را بر خاک زد خاک را بوسید ، سرد بود .

29- عکاسی میکردم. قبایش را روی دوربینم کشید ، من دختر بودم *** شایسته تقدیر ***

35- قلمش دیگر جوهر نداشت، تمام شب نوشت نوشت و نوشت

« مریم ضرابی »

60- رودخانه جاری بود وباغ خشک شده ، دنیای رویایی هیزمشکن بود

« امان رنجبری »

62- کشیش.

از صدای زنگ کلیسا خسته شد، لباس هایش را کند .

« آهو جان »

70- مادر م ، خلبان صدایم می‌زند . من متخصص شکستن دیوار صوتی هستم .

« علیرضا مختاری »

73- بعد عقدم شنیدم ناصر مفقودالثر نشده از جنگ برگشته *** شایسته تقدیر ***

« صبا سلمانزاده »

75- ترحیم

یک نطفه به دیار فانی شتافت! متولد نشده‌ها سوگواری

78 - ۳۰۱۰

متقاضیان فرزند؛ دقت کنید! نمونه‌های فروخته‌شده را پس نمی‌گیریم. *** شایسته تقدیر ***

« نرگس محمدی »

89- حالا غار تاریک قدیمی زشت ، میزبانِ خوبِ روزهای طوفانی شده

91- هزار خاطره یک ... هزار خاطره دو... هزار خاطره سه ... فروخ. *** برگزیده ***

« محسن مریدی »

96 - صبح ..ظلم هنوز حاکم بود، صدای من وسازم، ممنوع

« کاوه شمس »

97 - دستهایش را گرفتم ولبخند زدیم . گوشش را با شانه اش خاراند . *** برگزیده ***

« مهناز سپهری »

104- موها و بدنش می سوخت . آرزو کرد ، خرافات هم آتش می گرفت . *** شایسته تقدیر ***

105- می آمد ... از خواب پرید ... بازگشت پیکر صد شهید اعلام شد .

« مریم سادات پور »

108- می‌خوامت... دست خودم نیس . د لامصب... الو قطع نکن... گه خوردم *** برگزیده ***

« احسان نفیسی »

110- مترسک

کلاغ پر ، گنجشگ پر ، به پاهایش نگاه می کرد

« مریم »

112- زن بیهوش بود

- والای چقد نازه

کاش سقطش نمی کرد

بی رحم *** برگزیده ***

116- یهو نگرانش شدم

تلفنوبرداشتم

- مشترک موردنظردردسترس ...

« حامد علیپور »
